

جمهوری یا پادشاهی

در پاسخ به این پرسش ، که در فردای بعد از جمهوری اسلامی ، پای صندوق رای، نظام جمهوری را انتخاب میکنید یا نظام شاهنشاهی را ؟ برخی پاسخ دادند:

جمهوری دموکراتیک سکولار ، ضمن توضیح بیشتر ، پادشاه را مستبد و یکی برای همه دانستند!

که دولت و مجلس و نمایندگان نقشی در امور کشور ندارند .

از این جواب چنین برداشت کردم ، هموطنان ، خواهان حکومتی هستند که قانون اساسی کشور ضامن حقوق همه ملت ایران باشد:

و این حق قانونی ملت ایران است.

اما نه با برپایی جمهوری دموکراتیک سکولار که ساختاری غربی دارد و متناسب با فرهنگ و جغرافیای ایران نیست.

مشکل امروز جامعه ایران آنست که جامعه تحصیل کرده و آگاه تر شده و بخود حق اعتراض میدهد اما نمی خواهد اندکی به مشکلات با چشم حقیقت بنگردد، که ما چه وظیفه ای در مقابل ملت و میهن داریم ما چه نقشی در ایجاد و یا برطرف کردن مشکل داریم چرا خود را نشناخته سعی داریم از خود دور شویم و یا تکیه به ساختار حکومتی بزنیم که خود قرنها ، ایرانی را از هویتش دور نگه داشته اند ، و در ارتقا خود تلاش کرده اند ، که امروز آرزوی هریرانی با فرهنگ ، زندگی کردن در امریکا و اروپا باشد .

در حالیکه می بینیم در واقعه بهمن ۱۳۵۷ بسیاری از ایرانیان پای صندوق رای رفتند و به جمهوری اسلامی رای دادند که روحانیت و گروه های چپ ، و مخالفین نظام شاهنشاهی تحت حمایت غرب و شرق بر، آن ، شده بودند تا اقتدار ایران را در هم کوبند و چهل و سه سال است ، چنان شد که نباید می شد ، زیرا ابیگانه طراحی کرد و عوامل داخلی از اخوند و روشنفکرهای فرنگ رفته و حزب توده و مارکسیستهای اسلامی و خلقی های ایران ستیز اجرایش را عهده دار شدند و موجبات خروج پادشاه ایران را فراهم آوردند ، زیرا پادشاه صدای مرگ بر شاهی را شنید که طی ۵۶ سال فرمانروایی رضا شاه بزرگ و محمدرضا شاه اریامهر ، ایران و ایران عقب مانده از زمان خود را به جایگاهی رساندند که شرایط ایران دوباره خار چشم غریبان شد. پادشاه رفت به این امید که ملت ایران او را باز میگرداند، باور نداشت که ملت ایران به او و خدمات ارزنده و خود و پدرش پشت میکنند .

امادریغ :

که مردم فراموش کردند شرایط ذلت بار قبل از پهلوی ها را که بعد به کجارسیدند و با نا دیده گرفتن روزگار ذلت و خواری و تجزیه ایران در دوران قاجار ، باز راه تسلیم به مذهب را که ۱۴۰۰ سال پیش در ایران رواج داده بودند انتخاب میکنند، تفکر جهل و بی خردی و قضا و قدر. را که هر آنچه اتفاق می افتد به فرمان خداست ، زیرا پیروان اسلام توانسته بودند با جعل و تعبیر و تفسیر احادیث اسلامی از دوران دوقرن تسلط اعراب بر ایران تا کنون در دل ایرانیان رخنه کنند ، ما هم باور کردیم میله های آهن امامزاده ها هر بیماری را شفا میدهد ، باور کردیم هر برگی بدون اراده خدا بر زمین نمی افتد ، باور کردیم بانوان انسان های ناقص العقلی هستند که برده و اسیر مردانند ، و.....و.....

و توانستند ایرانی را از کیش و تفکر زرتشت که بر اساس خرد و انسانیت بود و بر سه اصل انسان ساز بشر از جمله ، پندار نیک ، کردار نیک و گفتار نیک بنیان نهاده شده بود و باور مند به یگانگی هستی بزرگ بود ، از ما دور کند ، تا تسلیم بی چون و چرای ندای آسمانی و الهی باشیم؛ زیرا قرار نبود ملت ایران بر سرنوشت خود فرمانروا باشد و ما را تسلیم اندیشه ای کردند که پیام اورش خود بر اقتدار و بزرگی خسروان و شاهان ایران بویژه کیش زرتشت آگاهی داشت این آگاهی ملو از خشونت و حقارت، نسبت به ایرانیان سبب شد که دین عرب را آغازی شد برای قدرت نمایی اعراب که با تعصب عربیت خود را بر ایرانیان و ملل دیگر حاکم کنند ، انهم با تفکر ضحاک ، و میبینیم بعد از ۱۴۰۰ سال برای چندمین بار ایران در دوران پادشاهان صفوی برای مقابله با حمله عثمانی دین رسمی ایران بنام شیعه اعلام میکند تا ترفندی بود برای پیگیری حمله عثمانیها به ایران، انگیزه دین رسمی ایرانیان ، بلای جدیدی میشود ، که با اروپا بویژه انگلستان به ایران بازمی گردد، تا پادشاهان را که در ایران نماد وحدت و یکپارچگی ایرانند

را زیر نفوذ نعلین اخوند مہار کنند یا چونان محمدرضا شاه و رضا شاه ایران ساز را از ایران دور کنند ، که چنین اتفاقی تنها خواست خدا و یا قدرت سیاسی روحانیت و نیروهای وطن فروش نبود ، بلکه تسلیم بی چون و چرای مردمی بود که پای صندوق رای رفتند و به جمهوری اسلامی رای دادند ، تا پدیده نویی از حکومت را در ایران با پسوند اسلامی تجربه کنند .

که چنین گردید.

و عجا که امروز بعد از چهل و سه سال از ان فریب بزرگ هنوز جامعه ایران تحت تاثیر تبلیغات همان کسانی قرار می‌گیرد که ایران پیشرفته و مدرن قبل از سال ۵۷ را فروپاشیدند و این بار ، با ترفندی نو ، و ، واژگان دهان پر کن غربی می‌خواهند ، دوباره جامعه را در گمراهی نگهدارند و از دانستن حقیقت دورشان کنند ، چرا که فرمانروایی پادشاهی را سدی بر سر راه منافع سود جویانه خود دانسته ، و می‌ترسند اگر وارث قانونی تاج تخت پادشاهی به ایران برگردد . بسود قدرتهای مشترک المنافع نیست !

پس هموطن

به هوش و بگوش باش، !

امروز شعار استقلال آزادی و جمهوری اسلامی آنها شده (جمهوری دموکراتیک فدارالیسم سکولار) و دوباره گردهم آمدند تا برای حفظ جمهوری اسلامی تصمیم بگیرند و جامعه را تسلیم خود کنند .

انهم کسانی که کارنامه جهل ساله آنها سرشار از ریا و تزویر و بی عدالتی و ضد ایرانی است .

همین آقایان اصلاح طلب ، که امروز علیه رژیم اسلامی برخاستند تا دیروز دستشان به خون فرزندان ایران آلوده بوده است ، و خود در بنیانگذاری جمهوری اسلامی نقش داشتند و حال که دریافته اند ، حکومت جز گسترش فساد ، اختلاس ، زیر پا نهادن حقوق شهروندان ، ایجاد بحران در منطقه ، کوچک کردن سفره ملت ایران ، گرانی و بی اعتبار کردن پول ایران و ملت ایران در صحنه بین المللی ، و نابرابری زن و مرد ، و مستعمره کردن ایران به چنین و روسیه و معضلات اجتماعی و اقتصادی سبب شده که فریاد ملت ایران هر روز بلند تر شنیده شود ، دوباره به میدان آمدند و با کپی برداری از کشورهای غربی و شرقی و امریکایی ، جمهوری دموکراتیک سکولار برپا کنند و دوباره مانع بازگشت فرمانروای شاهنشاهی در ایران شوند در حالیکه فرمانروایی شاهنشاهی در ایران اصول خاص خود را داشت و دارد . اصول سه گانه ای برخاسته از :

۱- اصل خرد ورزی

۲- اصل داد و دادگستری ، یعنی پیاده کردن سیستم اداری بر پایه ، عدالت اجتماعی ، عدالت سیاسی و عدالت اقتصادی .

۳- واصل سوم عمران و آبادی است

که دولت شاهنشاهی را بر این سه اصل موظف ، به پیشرفت و گسترش و توسعه میکند . .

و امور کشور تنها بر اساس حفظ کیان ملت و میهن و بدور از دخالت دین در سیاست فرمانروایی ایران عملی خواهد بود . .

انچه اشاره شد مربوط به اصول و ساختار کشورداری هزاران سال پیش مردم ایران بوده است که مردم خود در ساختار آن مستقیماً دخالت داشتند و حق حاکمیت از آن مردم بود که در طول هزاران سال در ایران تدوین شده بود و به اجرا درمیامد .

ایران در عهد باستان کشوری بود که مردمانش ، بدنیای تاریک و سیاه بجهان روشنایی بخشیدند و آنها چه کردند هر گاه توانستند کشور ما را ویران کردند و تا توانستند ما را از هویت خود دور ساختند .

پس ای هموطن

برماست ، یکبار برای همیشه تاریخ کشورمان را بخوانیم تا دوباره فریب سخنان پوچوی محتوای دست نشانندگان غرب و شرق و روس و انگلیس و امریکا را نخوریم و بدانیم .

که چرا از سال ۹۶ جوانان بیدار دل ایرانی که دوران پهلوی را زندگی نکردند با پدران و مادران خود در خیابان‌های ایران فریاد بر آوردند

ایران که شاه ندارد حساب کتاب ندارد، رضا شاه روح شاد، ای شاه ایران برگرد به ایران ، ما اشتباه کردیم که انقلاب کردیم .

این شعار ها ریشه در تاریخ و فرهنگ ایران دارد و تا خود را نشناسیم که : ایران کجاست ؟ و ایرانی کیست ؟

نمی‌توانیم درمقابل این همه دشمن داخلی و بیرونی از خود دفاع کنیم، و به حق حاکمیت ملی که از ما سلب شده برسیم. چون دمکراسی، دموکراتیک ، مدرنیسم، سکولار در نظم شکوهمند شاهنشاهی. جای داشته و به اجرا در می آمد کافی است که اشتباه نکنیم و فریب فریبدهندگان را نخوریم ایران از ان ملت ایران است و ملت ایران حاکم بر سرنوشت خودش است

به ایرا بیندیشیم که ایران همه چیز است .

به امیدپروزی

رمز پیروزی در شناخت ایران و اتحاد است

پاینده ایران

۱۴ مرداد/۱۴۰۱

روز قیام مشروطیت